

## دریغ از خاک ثروت آفرین

برای ثروتمند شدن همه چیز مهیا است. همت کنیم، تا قله‌های رشد راهی نیست.



نیست. توسعه می‌خواهیم؟ اگر توسعه می‌خواهیم باید ثروت بیافرینیم. باید از هیچ، همه چیز بسازیم. باید از اسباب موجود درست استفاده کنیم. نباید اجازه دهیم همه چیزمان هرز برود و مملکتمان به ورطه نابودی در منابع و امکانات بی‌افتد، بی آن که ثمرهای داشته باشد. باید تحقیق کنیم و توسعه بیابیم. ابتکار و نوآوری به خرج دهیم. باید بین صنعت و دانشگاه عقد اخوت ببندیم. مفهوم تحقیق و توسعه را برای بخش خصوصی جایی اندازیم.

### علم بهتر است یا ثروت؟!

نظام آموزشی ما گناهکار است و این گناه ریشه در تاریخ ایران دارد که همواره علم و ثروت را از هم تفکیک کرده است. نظام آموزش و پژوهش در کشور ما عملاً کارایی لازم را ندارد. دانشگاه‌های ما در خدمت تولید ثروت نیستند. درست به همین دلیل است که در مسیر تولید علم ثروت ساز و قابل انتقال به اقتصاد و صنعت گام برنمی‌دارند. در «اقتصاد ایران»، ما فکر می‌کنیم که راه نجات کشور آن است که راه خلق ثروت را به جوانان تحصیلکرده‌مان - که این روزها بیکارند - یاد بدهیم.

از دهه ۶۰ میلادی، بسیاری از دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته و نوظهور، برای پیشبرد علم در خدمت صنعت، اقدام به تأسیس پارک‌های علمی در مجاورت نواحی صنعتی نمودند. بعدها این اقدامات، مفهوم خلق واحدهای تحقیق و توسعه را به وجود آورد. امروزه، یکی از اصلی‌ترین اهداف این پارک‌ها، تولید ثروت از طریق تجاری‌سازی نتایج تحقیقات آنها است و به دلیل نقش تأثیر گذاری که این مراکز در اشتغالزایی، توسعه کسب و کار جدید و بکارگیری نخبگان دارند، مورد توجه بسیاری از دولت‌های جهان می‌باشند، اما متأسفانه تعداد پارک‌های علمی و فناوری در کشور ما به تعداد انگشتان دو دست

### اندوخته جهانی و اندوخته ما (۲۰۰۹)

کشور	ذخایر ارزی (میلیون دلار)	GDP سرانه (دلار)	FDI (میلیون دلار)
چین	۲,۶۴۸,۳۰۰	۳,۷۴۴	۳۲۷,۰۸۷
ژاپن	۱,۰۵۰,۲۳۵	۳۹,۷۲۷	۱۳۲,۸۵۱
روسیه	۵۰۱,۱۰۰	۸,۶۷۶	۳۲۴,۰۶۵
عربستان	۴۱۰,۳۰۰	۱۴,۵۴۰	۷۶,۱۴۶
هند	۲۹۵,۷۹۲	۱,۱۳۴	۷۶,۲۲۶
کره جنوبی	۲۸۹,۷۸۰	۱۷,۰۷۸	۱۱۹,۶۳۰
فرانسه	۱۵۴,۵۶۲	۴۱,۰۵۱	۱,۰۲۶,۰۸۱
آمریکا	۱۳۶,۵۳۲	۴۶,۴۳۶	۲,۰۹۳,۴۹
ایران	۱۰۰,۰۰۰	۴,۵۴۰	۵,۲۹۵
ترکیه	۷۶,۸۳۳	۸,۲۴۸	۱۴۵,۵۵۶

هم نمی‌رسد! از نتایج آنها هم خبری نیست.

مشکل از جاهای مختلف آب می‌خورد. وقتی اقتصاد پویا نباشد و کرختی بر آن سایه بی‌اندازد، بهره‌وری عوامل تولید هم پایین می‌آید. امیدها به یأس تبدیل می‌شوند و کسی باور ندارد که به عنوان یک جزء، می‌تواند کلیت اقتصادی کشور را سر و سامان بدهد. این موضوع اول است. بعد از آن، عدم تعامل مناسب با

دنیای خارج و دانش‌پذیری از آنها، نرخ اندک سرمایه‌پذیری، استخراج: ماهنامه «اقتصاد ایران» از بانک جهانی و آنگاد

ما در کشورمان ذخایر ثروت ساز فراوانی داریم؛ منابعی چون نفت، گاز، نیروی انسانی نخبه و متخصص، ژئوگرافی ایده‌آل، موقعیت جغرافیایی استراتژیک، مردم سالاری و حاکمیت قانون، تأثیر گذاری اقتصادی و سیاسی بر معادلات جهانی و دهها مورد دیگر که فقط ذکر آنان مقالی دیگر می‌طلبد. حق به جانبیم اگر بگوییم در این سال‌ها نسبت به گذشته بسیار پیشرفت کرده‌ایم، ولی در مقایسه با پیشرفت‌های جهانی چطور؟ کلاهمان را که قاضی کنیم می‌بینیم تا دیروز خیلی کشورها حرفی برای گفتن نداشتند و امروز سری در میان سرها درآورده‌اند. ترکیه، هند و چین که امروز حرف‌ها برای گفتن دارند، زمانی در برابر ایران ما گمنام بودند.

مهمترین دلیل درونی را باید در نوع نگرش و تفکر اشتباهی جست‌وجو کرد که در زمینه «منبع محوری» کشور ما نهادینه شده است. آری، ما منابع زیرزمینی - ثروت - فراوانی داریم و با فروش آنها می‌توانیم سال‌ها خرجمان را بر مبنای درآمدها تنظیم کنیم، اما اولاً این منابع متعلق به همه نسل‌ها هستند و ثانیاً، اگر درآمدهای حاصل از این منابع را صرف تولید و توسعه ثروت آفرین - و نه مخارج جاری - نکنیم، کلاه خودمان و آیندگانمان پس معرکه است.

بدتر آن که - همیشه در «اقتصاد ایران» این را یاد آور شده‌ایم - آنچه از فروش منابع دریافت می‌کنیم «درآمد» به تعریف معمول آن نیست، بلکه «فروش ثروت» است! به عبارتی دیگر در کشورمان، به جای «کاشت و برداشت ثروت‌های نو» خودمان را به «ثروت خوری» عادت داده‌ایم.

### اقتصاد دولتی، ام‌المعضلات اقتصاد ایران

طی سه دهه گذشته، اقتصاد بر مبنای دولت‌مداری اداره شده است. بخش خصوصی که با بکارگیری بهینه منابع، رکن اصلی توسعه و ثروت سازی هر ملتی به حساب می‌آید، در کشور ما غریبه است؛ آنقدر غریبه که حتی نمی‌داند قیمت سوختی که مصرف می‌کند قرار است به چه نحوی تغییر کند تا برای خودش برنامه ریزی نماید. بخش خصوصی ما باغیرت است، اما مشکل دارد. فضای کسب و کار ما باید اصلاح شود تا تولید کننده نفس بکشد. ما به سهم خود، بارها مشکلات بخش خصوصی را در این نشریه در ۱۳ سال گذشته فریاد زده‌ایم. بارها به سراغ بخش خصوصی رفته‌ایم و پای درد دل آنان نشسته‌ایم. به سراغ دولت‌ها رفته‌ایم و علت را جست‌وجو کرده‌ایم. بارها در مورد ابلاغیه‌ها و فرمایشات مقام معظم رهبری در رابطه با سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، مطلب نوشته‌ایم و راهکار ارائه داده‌ایم. اما مشکلات همچنان باقی‌اند.

سال‌ها سرمایه‌داری در کشور ما مورد سوء ظن بوده است و امروز تلاش می‌کنیم سرمایه‌داران را از جای جای دنیا دعوت کنیم. تفکر اشتباه سرمایه‌داری مذموم، فقط جیب کشورهای دیگر را پُر کرده و نیروی نخبه انسانی را که ثروت تمام بخش‌های زیربخش‌های اقتصادی از تفکر ناب آن به وجود می‌آید، روانه بسترهای آماده و در کمین اقتصادی سایر کشورها نموده است. ببینید سرمایه ایرانی جماعت چگونه در همه دنیا سیال و در حرکت پیش می‌تازد. انصافاً اگر آنان هم‌اکنون در ایران باقی بودند، آیا سرنوشتی جز سرنوشت ثروت آفرینان امروز جامعه ایران داشتند؟ ۱۰ تریلیون و ۷۰۰ میلیارد تومان چک برگشتی در کشور ما مؤید همین مطلب است. این رقم یعنی خیلی‌ها در این مملکت خانه خراب شده‌اند!

### فرار مادی و معنوی سرمایه‌ها

امروز رتبه اول فرار مغزها را در جهان داریم. بخش قابل توجهی از آن تعداد هم که به هر دلیلی در کشور باقی مانده‌اند، یا بیکارند و یا به کاری مشغول شده‌اند که در شأن و منزلتشان

به عنوان یک راهکار و برای آن که ما هم بتوانیم در اقتصاد دنیا حرفی برای گفتن داشته باشیم، اول از همه باید سبک مدیریتمان تغییر کند. باید با تعریف جدید از مدیریت منابع، به تفکیک اولویت‌های سرمایه‌گذاری در اقتصاد بپردازیم. این نگرش، خود مستلزم آن خواهد بود که تفکر اقتصاد بازار محور - یعنی تولید بر مبنای نیاز بازار - را در جامعه بسط دهیم. به موازات، باید به پرورش زیرساخت‌های گوناگون بپردازیم. رفع مشکلات اقتصادی به سبک مشارکتی و با حمایت دولت، حضور ثابت بخش خصوصی در بازی اقتصاد، کاهش نقش اقتصادی دولت و برعکس افزایش نقش کاتالیزوری آن در رشد تجارت، بازرگاری اساسی در نظام بانکی و ترمیم اوراق بازرگانی که راه تأمین مالی را برای بنگاه‌ها آسان‌تر می‌کنند، جملگی از مواردی هستند که باید به آنها پرداخته شوند. در زیرساخت‌های غیراقتصادی، یعنی فرهنگ و اجتماع هم باید تغییراتی بنیادین به وجود آوریم، به طوری که مردم و مسئولین اهمیت خلق ثروت را دریابند و با جان و دل به آن همت گمارند. در نهایت هم متذکر می‌شویم که در این راه باید از هر گونه نگرش بعضاً سیاسی و جناحی پرهیز نماییم و این را بدانیم که خلق ثروت، مربوط به فرد و حزب خاصی نیست، بلکه یک هدف ملی است. باید همت کرد و به قله‌های توسعه رسید. ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره «اقتصاد ایران» را در رابطه با "دیو از خاک ثروت آفرین" در صفحات ۳۰ - ۳۳ می‌خوانیم.

توان پایین رقابتی بنگاه‌ها، تلاطم اقتصاد سنتی، دانش اندک مدیران و شیوه‌های ناصحیح مدیریتی آنها، عدم درک برخی سیاست‌گذاران از موضوع محدودیت منابع و ضعف تعهد اجرایی آنان به دنبال این عامل سر باز می‌کنند و به تعبیری باعث "سرمایه سوزی" در این کشور می‌شوند. دلایلی چون انعطاف ناپذیری بازار کار به دلیل قوانین و مقررات محدود کننده حاکم بر آن، فقدان ارتباطی معقول بین نظام آموزشی و نیاز بازار کار و در نتیجه عدم مهارت کافی نیروی انسانی و انگیزه پایین نیروی کار برای کار بیشتر و کار مولد ثروت، از دلایل عمده بهره‌وری پایین نیروی کار در کشور به حساب می‌آیند.

### فرسنگ‌ها دور از فناوری

بی‌اهمیتی به تکنولوژی روز دنیا، از دیگر مسائلی است که به کندی و عقب ماندگی ما دامن زده است. سیاست‌گذاران ما همواره در سال‌های گذشته، از رشد و تولید تکنولوژی در کشور سخن گفته‌اند، اما عمده آنها در حد حرف باقی مانده‌اند. امروز هندی‌ها با سرمایه‌گذاری‌هایی که در زمینه نرم افزار کرده‌اند، بخش عظیمی از صادرات نرم افزاری جهان را در دست دارند. صنایع بهره‌مند از تکنولوژی‌های برتر (High-Tech)، نمونه دیگری از پتانسیل ثروت سازی دانش فنی است که متأسفانه ما از آن محروم مانده‌ایم. با توجه به فاصله‌ای که امروز میان ما و قدرت‌های برتر اقتصاد جهان افتاده است، باید از راه‌های میان‌بر و با بکارگیری ابزارهای چون مهندسی معکوس (Reverse Engineering)، به چنین تکنولوژی‌هایی دست یابیم.

### قدرت و سیاست

## مهره‌های بازی در صفحه آسیا

### نگاه مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک (IISS) به استراتژی کشورهای آسیایی در سال ۲۰۱۰

و برزیل نگرش تازه‌ای اتخاذ کرده‌اند، اما این نگرش در نهایت از سوی اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل ناپدید گرفته شده و دیپلماسی در قبال ایران با چالش مواجه گردیده است. در عین حال از بُعد اقتصادی باید گفت بعد از بحران جهانی اخیر، درست است که خطر اولیه

بحران مالی جهانی موجب شده بسیاری از کشورهای خارج از دنیای غرب در مورد جایگاه خود در جامعه بین‌الملل به نوعی اعتماد به نفس دست یابند. بر همین اساس، در شرایطی که بسیاری از کشورهای غربی با قدرت مالی تضعیف شده خود دست و پنجه نرم می‌کنند، دیگر کشورهای عضو گروه ۲۰ و قدرت‌های بزرگ اقتصادی در نقاط مختلف جهان به فکر اتخاذ مواضع سیاست خارجی مستقل تری هستند. در تحقیقی که مؤسسه IISS به آن پرداخته، این مسأله مورد بررسی قرار گرفته که تغییر در قدرت مالی و اقتصادی کشورها دارای پیامدهای ژئوپلیتیک است و نهادهای جهانی یا منطقه‌ای توانایی مدیریت تغییرات پی در پی فعلی را در امور بین‌المللی ندارند.

### سیاست بین‌الملل و نگرش‌های ملی

بحران اقتصادی پس از سال ۲۰۰۸ در نگاه اول از روند رو به رشد چالشی جهانی خبر می‌داد. به دنبال این تهدید، لزوم ایجاد اتحادی جهانی برای جلوگیری از خطرات احتمالی ناشی از شکاف بین کشورها به شدت احساس می‌شد. اکنون، در اواسط سال ۲۰۱۰ کشورهای آسیایی به این رکود به عنوان شکست مالی "فرا آتلانتیک" اشاره می‌کنند و کشورهای گروه ۲۰ ناچار شده‌اند بپذیرند که هر کشور مجبور است خود تشخیص دهد که می‌تواند با بسته‌های محرک مالی همچنان دوام بیاورد یا باید بودجه ریزی‌های سختگیرانه را آغاز کند. این گرایش ژئواکونومیک بین‌المللی، ژئواستراتژی مشابهی هم داشت. همکاری‌های بین‌المللی در مورد پروژه‌های استراتژیک گسترده، کم‌کم تحلیل رفتند و نگرش برخی کشورها نسبت به چالش‌های امنیتی منطقه‌ای و جهانی بیشتر به سمت نگرش‌های ملی معطوف شد. همین عامل باعث شد تا عملیات بین‌المللی در افغانستان تحت تأثیر مناقشات داخلی گسترده بر سر دوام پذیری آن قرار بگیرند. در مورد ایران، با وجودی که ترکیه



سیستم حمایت از تولید داخلی در عرصه اقتصاد تاکنون دفع شده، اما ریسک این سیستم به صورت استراتژیک در حال افزایش است، چرا که بسیاری از کشورها منافع ملی خود را در نظر گرفته و مطابق با آن عمل می‌کنند. این گرایش، اگر چه بیشتر در آسیا مطرح می‌شود، اما در مناطق دیگر هم مشهود و در حال افزایش است.

از طرف دیگر، اگر چه بیم کشورهایی نظیر هند و چین در مورد شکل دهی برنامه استراتژیک بین‌المللی در مقابل دفاع درست از منافع کشورهایشان، آنان را محافظه کار ساخته، اما رشد اقتصادی این کشورها همچنان به افزایش اطمینان به نفس استراتژیک در آنان تداوم می‌بخشد. به هر حال، هر کدام از این دو کشور به جاه طلبی‌ها و توانایی‌های استراتژیک دیگری آگاه است. این دو کشور، گاهی در مرزهای خود و به علت همسایگی با پاکستان، سریلانکا و میانمار در معرض روابط استراتژیک ناخوشایندی قرار می‌گیرند که این نوع تهدیدها بر نوع رفتارهای آنها اثر می‌گذارد. با این حال، هند و چین در برنامه‌های تغییرات آب و هوایی زمین و یا نیاز به دیدگاه‌های بین‌المللی متمایز در مورد اقتصادهای در حال توسعه با هم همکاری می‌کنند و می‌دانند که ساختار سیاسی و امنیتی آسیا تا حد زیادی به چگونگی عملکرد آنان بستگی دارد.